

## باز پژوهی حکم فقهی موسیقی و غنا از منظر امام خمینی (ره)

علی محمدیان\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۲۳

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۳/۳

### چکیده

مسئله غنا و موسیقی از مهم‌ترین مقولات عرصه فرهنگ و هنر به شمار می‌رود. در گذشته، اغلب فقها با استناد به آیات و روایاتی که در مضموم بودن غنا وجود داشت و از فضای حاکم بر زمان صدور آنها نشئت می‌گرفت، به بحث‌های نظری در این باره پرداخته، حکم به حرمت ذاتی موسیقی و غنا می‌دادند؛ اما در دنیای امروز، موسیقی کارکردهای مفیدی نیز پیدا کرده است. لذا به نظر می‌رسد برای قضاوت در این امر باید فضای جدید و مصلحت جامعه اسلامی نیز لحاظ شود. امام خمینی (ره) از جمله فقهایی بودند که پیش از انقلاب به مانند گذشتگان با مسئله مواجه شده، فتوا می‌دادند؛ اما پس از انقلاب و بعد از وارد شدن عملی در عرصه حکومت، لزوم تغییر در برخی از آرای فقهی از جمله مسئله غنا و موسیقی را احساس کردند. ایشان به فراست فقیهانه خویش دریافته بودند که از موسیقی می‌توان به عنوان ابزاری در راستای ترویج ارزش‌های متعالی مکتب اسلام مدد گرفت. نکته‌ای که تأمل در آرای ایشان به مخاطب می‌آموزد این است که پرداختن به مسئله‌ای حساس مانند موسیقی، مقتضی نگرشی ژرف و جامع به تمام جوانب آن است. و می‌توان با به رسمیت شناختن کارکردهای مثبت موسیقی در دنیای امروز، با سیاستگذاری‌های منسجم و راهبردی، آن را در راستای اهداف متعالی مکتب اسلام به کار گرفت.

**واژگان کلیدی:** موسیقی، غنا، حرمت، حلیت.

## مقدمه

گرایش به زیبایی و دوری از زشتی، از جمله امور فطری است که خداوند در وجود هر انسانی به ودیعه نهاده است. هر انسانی به طبع نخستین خویش، نغمه خوش، آهنگ دلنشین، منظره چشم‌نواز و... را دوست دارد. این حس زیبایی خواهی آن‌گاه که با کمال جویی انسان درمی‌آمیزد، او را به آنچه از پدیده‌های طبیعی می‌بیند و حس می‌کند، قانع نمی‌سازد. از این رو، پدیده‌های زیبای جهان را برمی‌گزیند و با احساسی که خود از آنان دارد و آن‌گونه که پسند خویش است، به نیروی خیال دگرگون می‌سازد، بازآفرینی می‌کند و احساس خود را از پدیده‌های هستی به گونه‌ای زیبا و دلنواز به نمایش می‌گذارد. چنین کوششی که به آفرینش اثری زیبا منجر می‌شود، هنر نام دارد. (نجفی، ۱۳۷۴: ۳)

در باب هنر، برخی گونه‌های آن جدید و نو هستند؛ مانند هنر بازیگری و برخی دیگر از دیرباز وجود داشته‌اند و در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونی‌های بسیار مهمی شده‌اند؛ مانند هنر موسیقی. زمانی که موسیقی فقط در دربار سلاطین و محافل اشرافی خاص، آمیخته با دیگر ابزار طرب و توسط نوازندگانی دست‌پرورده شاهان اجرا می‌شد، نگاه به آن، به کلی متفاوت از شرایطی بود که در دنیای امروز حاکم است. در آن زمان، نوازندگان را رامشگر یا در ردیف عوامل طرب دانسته، به آنان مطرب می‌گفتند. امروزه ابزارهای موسیقایی و دایره موسیقی‌دان‌ها و نوازندگان آن چنان گسترده است که دیگر اختصاصی به آن محافل ندارد. در دنیای امروز، موسیقی از خصلت انحصاری طرب‌انگیزی مخصوص مجالس لهو خارج شده، به صورت علمی، با قواعد و اصول مخصوص مربوط به هر علم، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

بنابر این، از آنجا که کارکردهای موسیقی در دنیای جدید تغییر یافته و از موسیقی به عنوان ابزار و وسیله‌ای برای ارائه امور مفید نیز استفاده می‌شود، قضاوت در امر موسیقی و صدور حکم کلی فقهی در باب آن، باید با توجه به شرایط زمان و مکان، مصلحت جامعه اسلامی و آگاهی کامل بر موضوع و علم موسیقی باشد.

امام خمینی(ره) از جمله شخصیت‌های ممتازی است که با فراست فقیهانه خویش، دریافته بودند که حکم حرمت یا حلیت موسیقی، عام نیست؛ بلکه توجه اصلی به محتوای شعر و رسالت آهنگ و کلام معطوف است. در پرتو همین بینش صحیح فقهی بود که



هنرمندان بعد از پدیدار شدن حکومت اسلامی، گامهایی در تطبیق هنر با موازین اسلامی برداشته، تحول عظیمی در همه انواع هنر، از جمله موسیقی پدید آوردند و کارهای هنری خود را نه وسیله فساد و تباهی؛ بلکه وسیله سازندگی و در خدمت باورهای دینی قرار دادند.

در این تحقیق سعی شده حکم فقهی موسیقی از لحاظ حرمت و حلیت، مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته، نظریات امام خمینی (ره) در این زمینه، در دو فضای قبل و بعد از انقلاب، تبیین و تحلیل شود.

## ضرورت بحث

در اهمیت بحث همین بس که امروزه موسیقی می تواند نقش کلانی در راهبرد سیاست‌های فرهنگی ایفا کرده، به تبلیغ ارزش‌ها و اهداف مترقی مکتب اسلام بپردازد. اگر پذیرفته شود که موسیقی ذاتاً متصف به حسن و قبح نیست، بلکه با توجه به کارکردهای آن باید ارزشگذاری شود، در این صورت می توان از هنر مذکور در راستای اعتلای آرمان‌های اصیل اسلامی بهره برد.

در توضیح بیشتر مطلب باید گفت امروزه بر کسی پوشیده نیست که موسیقی وسیله‌ای شده است در دست دولت‌های استعمارگر تا از طریق رسانه‌های مختلف و با تبلیغات وسیع، ذهن و روح جوانان کشورهای تحت ستم را آکنده از نغمه‌های ناموزونی کنند که اثرات مخرب بر روان انسان بر جای گذاشته و با اشعار هدفمندی که بر روی این نوع موسیقی پیاده می شود، به ترویج سیاست‌های شوم فرهنگی خود بپردازند. اشکال گوناگون موسیقی‌هایی که رهاورد نامبارک فرهنگ غرب بوده و متأسفانه در جامعه ما نیز شیوع پیدا کرده است، نمونه‌هایی از این مواردند.

با به رسمیت شناختن جایگاه موسیقی و نقش انکارناپذیر آن در دنیای امروز، می توان به جای اینکه دست به انکار آن زده و چشم خود را به یکباره بر واقعیت‌های جهان پیرامونی فرو بندیم، با سیاستگذاری منسجم و تدوین برنامه‌ای راهبردی آن را در راستای اهداف متعالی مکتب اسلام به کار گیریم. اگر متولیان فرهنگ با عنایت به ضرورت مطلب به ترویج موسیقی سالم بپردازند، به تدریج از گرایش جوانان به موسیقی مخرب غربی کاسته شده، با یک سیاستگذاری هوشمندانه در بلندمدت، جامعه‌ای سالم



از نظر فرهنگی به ارمغان خواهند آورد. افزون بر اینکه با ترویج موسیقی ارزشی می‌توان به تربیت نسلی از موسیقی‌دانان فرهیخته و متعهد همت گماشت که با التفات و عنایت به تأثیر اعجاب‌انگیز هنر موسیقی در دنیای مدرن، مبادرت به ساخت قطعاتی در راستای ترویج اهداف اسلامی و اشاعه شعائر مذهبی کرده، صدای مکتب عدالتخواه اسلام را به گوش جهانیان برسانند.

## مفهوم‌شناسی واژگان

### معنا و مفهوم موسیقی

موسیقی، مرکب از «موسی» و «قی» است. «موسی» در لغت یونانی، نغمه و سرود را گویند و «قی» هم به معنای موزون و مطبوع است. بعضی گفته‌اند: «موسیقاقیا» عنوانی است که یونانیان به فلک اعظم می‌دهند و فن نغمه را به جهت شرافت و منزلتی که دارد، بدان فلک نسبت داده و موسیقی گفته‌اند (مختاری، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۹). دهخدا در لغتنامه می‌نویسد: «موسیقی علمی است که به واسطه آن، احوال نغمه‌ها و زمان‌های آن شناخته می‌شود و آن مشتمل بر دو فن است: نخست، شناخت اینکه نغمه‌ها چگونه با هم تلائم و هماهنگی پیدا می‌کنند و یا بر عکس، اجزای آن با هم منافرت دارند. این بخش فن الحان (آوازاها) نامیده می‌شود. دوم، شناخت اوزان زمان‌هایی که بین اجزای آواز فاصله می‌شود و آن، فن ایقاع نامیده می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۱۶۸۱)

ابونصر فارابی در کتاب «موسیقی کبیر» چنین می‌نگارد: «کلمه موسیقی به معنای آهنگ‌هاست و آهنگ نیز به معنای نغمه‌های مختلفی است که با نظم و ترتیب در کنار هم چیده می‌شوند» (فارابی، ۱۹۶۷: ۴۷). در «المنجد فی اللغه» آمده است: «موسیقی، فن خوانندگی و نوازندگی است و مردم عوام به آن موزیکا می‌گویند و مقصودشان بعضی از آلات موسیقی می‌باشد». (لوپس معلوف، ۱۹۸۶: ۷۷۹)

### معنا و مفهوم غنا

ابن منظور در «لسان العرب»، غنا را به صدایی که شادی‌آفرین باشد معنی کرده و آورده است: «كُلُّ مَنْ رَفَعَ صَوْتَهُ وَالْأَهْلُ، فَصَوْتُهُ عِنْدَ الْعَرَبِ غَنَّا»؛ هر کس صدای خود را بلند کند و کش دهد، صدای او در نزد عرب غنا خوانده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۱۳۶). عین همین عبارت در «النهایه» ابن اثیر نیز آمده است. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳: ۳۹۱)

فراهیدی در «کتاب العین»، غنا را به کش دار کردن صدا تعریف کرده است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۴۵۰). در «مجمع البحرین» آمده است: «الغنا: الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب أو ما یسمى بالعرف غنا و إن لم یطرب»؛ غنا صدایی است که مشتمل بر ترجیع شادی آفرین و طرب‌انگیز باشد، یا صدایی که عرف آن را غنا بدانند؛ اگر چه مطرب نباشد (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۲۱). در «تاج العروس»، غنا به صدای طرب‌آور معنا شده است. (واسطی، ۱۴۱۴، ج ۲۰: ۲۹)

### تفاوت بین غنا و موسیقی

نکته‌ای که بیان آن ضروری می‌نماید این است که هر چند برخی محققان، غنا و موسیقی را دارای معنای واحدی دانسته‌اند (ایرانی، ۱۳۷۴: ۳۹۵)، اما برخی دیگر بین موسیقی و غنا قائل به تفصیل شده‌اند. از طرفی، عده‌ای از محققان با این استدلال که «موسیقی، شامل ساز و آواز، هر دو می‌شود؛ حال آنکه غنا تنها شامل آواز می‌شود» (صدیقین اصفهانی، بی‌تا: ۱)، موسیقی را اعم از غنا دانسته، رابطه بین آنها را عموم و خصوص مطلق دانسته‌اند. از سوی دیگر، برخی از فقها در تفاوت غنا و موسیقی چنین نگاشته‌اند که: «تفاوت قدما با علمای جدید در خصوص موسیقی این است که به عقیده قدما، لفظ موسیقی با لفظ غنا، هم در مفهوم و هم در مصداق مساوی است؛ ولی علمای عصر حاضر، لفظ موسیقی را به معنای صدای آلات و ابزار طرب استعمال می‌کنند که اخص از لفظ غنا می‌باشد». (معرفت، ۱۳۷۳: ۱۲۲)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این زمینه رأی واحدی به چشم نمی‌خورد و عبارات محققان در این زمینه متفاوت است. اما نکته‌ای که در اینجا باید بدان توجه داشت این است که هر چند در کتب لغت برای هر یک از واژه‌های غنا و موسیقی، تعاریف متفاوت و متعددی بیان شده است، اما از مطالعه آرای فقها و بررسی کتب فقهی آشکار می‌شود که در کلام فقها، موسیقی و غنا بر معنای واحدی دلالت دارند و فقها به کرات این دو واژه را به جای یکدیگر به کار برده‌اند. برای اثبات این مطلب، می‌توان به استفتایی که از مراجع تقلید معاصر در باب فرق بین غنا و موسیقی به عمل آمده، اشاره کرد که در آن، اغلب فقها بدون اینکه تفاوتی بین این دو قائل شوند، هر دو را مشمول حکم واحد دانسته‌اند (ر.ک: محمودی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۴۹-۴۷). ما نیز در این نوشتار، که تحقیقی فقهی است، همانند فقهای عظام، غنا و موسیقی را در معنای واحد به کار می‌بریم.

## کلام فقها در تعریف موسیقی و غنا

شهید ثانی در تعریف غنا چنین می‌نگارد: «هو مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب، أو ما سُمی فی العرف غنا و إن لم یطرب» (شهید ثانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۷۲)؛ غنا آوازی است که مشتمل بر ترجیع مطرب باشد؛ یا چیزی که در عرف غنا نامیده می‌شود، اگر چه مطرب نباشد. علامه حلی و صاحب ریاض نیز تعاریف مشابهی از غنا ارائه کرده‌اند. (حلی، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۵۶؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۱۵۵)

صاحب جواهر نیز تعریف مشهور در مورد غنا را «مَدُّ الصَّوْتِ المَشْتَمَلِ علی التَّرجِیعِ المَطْرِبِ» می‌داند (نجفی، بی‌تا، ج ۲۲: ۴۵). میرزای قمی در رساله‌ای در باب غنا، پس از ذکر اقوال متعدد در مورد غنا، قولی را که در آن، غنا به آنچه در عرف غنا نامیده می‌شود (ما یسمی فی العرف غنا)، تعریف شده، اظهر اقوال دانسته است (میرزای قمی، ۱۴۱۸: ۱). تعریف محقق اردبیلی از غنا نیز همان قول مشهور است. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲: ۳۳۶)

## تعریف موسیقی و غنا از دیدگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) در کتب مختلف خود، در مورد غنا و احکام آن سخن گفته‌اند. ایشان در «مکاسب محرمة» پس از ذکر اقوال متعدد در تعریف غنا، از قبیل: صوت ترجیع مطرب، آنچه در عرف غناست اگر چه مطرب نباشد، صدای لهوی، صدای اهل فسق و گناه و... به بیان تعریف استاد خود، آیت‌الله محمدرضا اصفهانی(آل‌الشیخ) از غنا می‌پردازند. تعریف ایشان از غنا چنین است: «الغنا صوت الإنسان الذی من شأنه ایجاد الطرب بتناسبه لمتعارف الناس، و الطرب هو الخفة التي تعتری الإنسان فتکاد أن تذهب بالعقل و تفعل فعل المسکر لمتعارف الناس أيضا»؛ غنا صدای انسان است که به خاطر تناسب آن با آنچه بین مردم متعارف است، شأنیت ایجاد طرب را دارد و طرب همان حالت سبکی است که بر انسان عارض می‌شود؛ به گونه‌ای که احتمال دارد عقل انسان را زایل کند و عمل شراب را برای مردم انجام دهد.

امام خمینی(ره) تعریف استادشان از غنا را بهترین تعریف در این باب می‌دانند؛ ولی سه اشکال بر این تعریف وارد می‌کنند:

۱. حدی که برای «طرب» ذکر شده (به گونه‌ای که احتمال برود عقل انسان را زایل کند)، با عرف و لغت سازگار نیست؛ زیرا در عرف و لغت شاهدهی بر این امر مشاهده



نمی‌شود و غنا بر حالتی که طرب به آن مقدار نیز نرسد، دلالت می‌کند.

۲. مرحوم آل شیخ در شرح تعریف خود، صوت متناسب را غنا می‌داند؛ اگر چه از فردی بد صدا صادر شود و ایجاد طرب نکند، بلکه باعث نفرت شود. این عبارت، با تعریف وی از غنا در تناقض است؛ زیرا ایشان غنا را به آنچه طرب‌انگیز باشد، معنا کرده است؛ ولی در عبارت اخیر ایشان، حتی صدایی که ایجاد طرب نکند نیز غنا محسوب شده است.

۳. ادعای ایشان در شرح تعریف خود، مبنی بر اینکه همه تعاریف ذکر شده برای

غنا، به تعریف ایشان بازمی‌گردد، ادعای نادرستی است. (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۰۵-۳۰۳)

بعد از این مناقشات، ایشان تعریف خود را از غنا چنین بیان می‌کنند: «فالأولی تعریف الغنا بآنه صوت الإنسان الذی له رقه و حسن ذاتی و لوفی الجملة، و له شائیه ایجاد الطرب بتناسبه لمعارف الناس» (همان: ۳۰۵)؛ بهتر است غنا را چنین تعریف کنیم: صوت انسانی که صدایش حسن ذاتی دارد (اگر چه به میزان اندک) و به علت تناسب اجزای آن، شأن آن را دارد که برای عامه مردم ایجاد طرب کند.

همچنین ایشان در «تحریر الوسيله»، در تعریف غنا چنین می‌نگارند: «لیس هو مجرد تحسین الصوت، بل هو مده و ترجیعه بکیفیه خاصه مطربه تناسب مجالس اللهو و محافل الطرب و آلات اللهو و الملاهی» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۴۹۷)؛ غنا تنها زیبا ساختن صدا نیست، بلکه کش دادن صدا و ترجیع آن با کیفیتی مخصوص که طرب‌انگیز بوده، با مجالس لهو و محافل طرب و آلات لهو و لعب مناسبت داشته باشد، غنا محسوب می‌شود.

## بررسی اقوال فقها درباره حکم موسیقی و غنا

مشهور فقهای امامیه به حرمت مطلق غنا فتوا داده‌اند. در «مفتاح الکرامه» آمده است: «فلا خلاف فی تحریم الغنا و تحریم الأجره علیه و تعلمه و تعلیمه و استماعه؛ سواء کان ذلک فی قرآن أو دعاء أو شعر أو غیرها» (حسینی عاملی، بی‌تا، ج ۴: ۵۲)؛ در حرمت غنا، اختلافی وجود ندارد و مزد گرفتن بر آن و تعلم و آموزش و شنیدن آن حرام است؛ چه در قرآن باشد یا دعا یا شعر و غیر آن.

محقق اردبیلی در این زمینه چنین می‌نگارد: «و أما الغناء فلا شک فی تحریم فعله، و سماعه عندنا، لعلّه لا خلاف فیه... و بالجمله لا شبهه فی تحریم سماع الغناء و فعلها عند علمائنا» (محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۲: ۳۳۴)؛ بی‌شک انجام غنا و شنیدن آن، نزد فقهای امامیه



حرام است و اختلاف نظری در این باره مشاهده نمی‌شود... در تحریم شنیدن غنا و انجام دادن آن، در بین فقهای امامیه هیچ‌گونه شبه‌های وجود ندارد.

علامه حلی در «تذکره الفقها» درباره کسب‌های حرام می‌نویسد: «از انواع محرمت، اموری است که شارع مقدس عین آنها را حرام کرده است؛ مانند غنا و تعلیم و آموزش آن و همچنین اجرت آوازخوان». (حلی، بی‌تا، ج ۱۲: ۱۴۰)

شیخ طوسی و ابن ادریس نیز در باب حرمت غنا، نظراتی مشابه ارائه کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۳۶۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲: ۲۲۲). شیخ هادی تهرانی در رساله‌ای که در باب غنا نگاشته است، پس از بررسی اقوال گوناگون، در نهایت معتقد به حرمت ذاتی غنا شده و چنین نتیجه‌گیری کرده است که: «فالتحقیق حرمة الغنا فی نفسه بالأخبار والآیات و الإجماع». (تهرانی، ۱۴۱۸: ۲۴)

مرحوم بهبهانی نیز در رساله خویش در باب غنا، برای اثبات حرمت ذاتی غنا، حتی در خواندن قرآن و دعا و مراثی، به آیات، روایات، اجماع و اقوال اهل لغت استشهاد کرده و در آخر باره قول بعضی از فقها که قرآن و مراثی را از اطلاق حرمت غنا، تخصیصاً یا تخصصاً خارج می‌دانند، احتیاط در این مورد را امری مرغوب و مطلوب شمرده است. (بهبهانی، ۱۴۱۸: ۲۱)

اما برخی دیگر از فقها، در ذاتی بودن حرمت غنا تردید کرده، غنا را در صورتی حرام دانسته‌اند که با حرام دیگری از قبیل نواختن آلات موسیقی، اختلاط زن و مرد و... همراه باشد. ملا محسن فیض کاشانی در این زمینه چنین می‌نگارد: «الذی یظهر من مجموع الأخبار الواردة فی الغناء و یقتضیه التوفیق بینها، اختصاص حرمته و حرمة ما یتعلق به من الأجر و التعلیم و الاستماع و البیع و الشراء، کلها بما کان علی النحو المعهود المتعارف فی زمن بنی أمیه، من دخول الرجال علیهن و استماعهم لصورتهن و تکلمهن بالأباطیل، و لعبهن بالملاهی من العیدان و القزیب و غیرها. و بالجمله ما اشتمل علی فعل محرم دون ما سوی ذلك»، آنچه از مجموع اخبار وارده در مورد غنا به دست می‌آید و جمع بین آنها اقتضا دارد، این است که حرمت غنا و آنچه متعلق به اجرت و تعلیم و شنیدن و خرید و فروش و همه اینها می‌شود، اختصاص به صورتی از غنا دارد که معهود و متعارف در زمان امویان بوده، که مردان در محافل زنان وارد می‌شدند و به آواز آنان گوش فرا می‌دادند و زنان آوازخوان، کلام باطل بر زبان جاری می‌ساختند و با آلات و ابزار لهو بازی می‌کردند. و به طور خلاصه آن چیزی که مشتمل بر فعل حرام باشد، حرام است، نه غیر آن. (فیض کاشانی، بی‌تا،



محقق سبزواری از دیگر فقهای است که در زمینه غنا نظریاتی مشابه فیض کاشانی ارائه کرده است. وی در «کفایه الاحکام» می‌نویسد: «می‌توان بین اخباری که دلالت بر حرمت غنا دارد و اخباری که آن را جایز می‌شمارد، به دو شکل سازش داد: اول؛ تخصیص اخبار حرمت به غیر قرآن و حمل آنچه دلالت بر سرزنش آوازخوانی با قرآن می‌کند بر چیزی که به شیوه لهُو باشد؛ آنچنان که هرزگان در آوازخوانی این کار را می‌کنند. دوم؛ اینکه بگوییم در اخبار دالّ بر حرمت، غنای خاصی مورد نظر بوده است؛ زیرا آنچه در زمان صدور روایات رواج داشته، غنای لهُوی بوده است که زنان مطرب و آوازخوان، در مجالس و محافل فساد و شرابخواری و امثال آن می‌خوانده‌اند. (محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۱: ۴۳۲)

شیخ انصاری از دیگر فقهای است که حرمت غنا را عارضی دانسته و ذاتی بودن آن را نپذیرفته است. طبق دیدگاه شیخ انصاری، غنا ذاتاً؛ یعنی از حیث مجرد آواز بودن و صرف نظر از الحاقش به عناوین حرام دیگر مانند لهُو، باطل، قول زور و...، حرام نیست. بنابر این، اگر غنا منفک از این عناوین حرام، فرض شود، فی نفسه حرمتی ندارد و منحصراً در صورتی که مصداقاً بر یکی از عناوین حرام منطبق شود، مشمول حکم حرمت می‌شود. این فتوا مربوط به حکم ذاتی غنا بر اساس دلالت کتاب و سنت است. با این وجود، از حیث صدق و تحقق خارجی، ایشان معتقدند که غنا مصداقاً با عنوان لهُو متحد بوده و از آن انفکاک‌ناپذیر است. (انصاری دزفولی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۹۰)

یکی از علمای معاصر، بر قسمت اخیر کلام شیخ چنین ایراد گرفته است که: «اولاً؛ حدس تفکیک‌ناپذیر بودن غنا از لهُو در خارج، نه سندی دارد و نه گواهی که صحت آن را تأیید کند، بلکه گواهی صاحبان اختصاص و اهل فن بر عکس است. ثانیاً؛ نصوص کتاب و سنت گواه این است که باید بین غنای لهُوی و غیر لهُوی، در عالم خارج، قائل به تفصیل شد. لذا هر گاه غنا، لهُوی و گمراه‌کننده از راه خدا باشد، حرام؛ در غیر این صورت، جایز است.» (معرفت، ۱۳۷۳: ۱۳۵)

ذکر این نکته نیز ضروری است که از فقهای شیعه، کسانی که قائل به تحریم غنا شده‌اند، با استناد به روایاتی، اغلب دو مورد را استثنا کرده و جایز شمرده‌اند؛ یکی حداء<sup>۱</sup> (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: ۱۸۱؛ حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۱۱۷؛ نجفی، بی‌تا، ج ۲۲: ۵۰) و دیگری تغنی زن

۱. سرودی که برای برانگیختن شتر، جهت شتاب در حرکت خوانده می‌شود. (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۴، ج ۳: ۲۴۲)



در زفاف؛ به شرط اینکه برای مرد نامحرم نباشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۱۲۶؛ حائری طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۸: ۱۵۶؛ موسوی خویی، بی‌تا، ج ۱: ۳۱۵)

## دیدگاه امام خمینی(ره) در خصوص موسیقی و غنا

برای تحلیل دیدگاه امام خمینی(ره) در مورد حکم حرمت و حرمت موسیقی و غنا و درک عمیق نظریات ایشان در این باب، باید به این نکته توجه داشت که ایشان به عنوان یک فقیه در دو فضای متفاوت قبل و بعد از انقلاب به اجتهاد و استنباط احکام شرعی پرداخته‌اند ایشان پیش از انقلاب از منظر فقه حکومتی و اقتضانات کشورداری با مسئله موسیقی و کارکردهای آن در نظام اسلامی مواجه نمی‌شدند؛ بر خلاف دوران بعد از انقلاب که مسئله حکومت و اقتضانات آن مطرح شد. بدیهی است فتاوی سابق ایشان در دوران پس از انقلاب و بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی، نمی‌توانست ملاک عمل قرار گیرد و چه بسا به انقلاب اسلامی شدیداً لطمه می‌زد و حتی ممکن بود پیاده شدن احکام اسلام را مورد تهدید قرار دهد. خوشبختانه پس از ورود عمیق امام(ره) در مسائل حکومتی، ایشان با فراست فقیهانه خویش، لزوم تغییر در برخی از آرای فقهی از جمله غنا و موسیقی را احساس کردند.

با عنایت به مطالب گفته‌شده، می‌توان آرای ایشان را در این باب، به دو بخش تقسیم کرد؛ نظرات و فتاوی معظّمه قبل از انقلاب و آرای ایشان پس از انقلاب و بعد از وارد شدن عمیق در مسائل حکومتی.

### الف) بررسی نظریات حضرت امام(ره) قبل از انقلاب

عمده نظریات ایشان در باب غنا و موسیقی، در سال‌های قبل از انقلاب و در کتاب‌های «مکاسب محرمه» و «تحریر الوسیله» بیان شده است. «مکاسب محرمه» اثری است اجتهادی در فقه استدلالی، در موضوع انواع کسب‌های حرام و مسائل پیرامون آن، که در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ قمری (۱۳۴۰-۱۳۳۷ ش) به زبان عربی نگاشته شده است. در این کتاب، بحث‌های ارزشمندی مطرح شده است؛ از جمله در زمینه غنا و موسیقی. ایشان در این کتاب پس از بررسی اقوال گوناگون در زمینه غنا و بحث مفصل و مبسوط در این زمینه، پس از ذکر دلایل حرمت غنا، چنین نتیجه‌گیری می‌کنند: «فتحصّل من جمیع ذلک حرّمه الغنا بذاته، فلا بدّ من التماس دلیل علی الاستثناء»



امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۳۲۸؛ از مجموع دلایل ذکر شده (برای حرمت غنا) چنین مستفاد و نتیجه‌گیری می‌شود که حرمت غنا، ذاتی است و (اگر کسی می‌خواهد چیزی را از شمول حرمت غنا استثنا کند)، باید به دنبال دلیلی برای آن باشد.

«تحریر الوسیله» اثر مهم دیگری است که قبل از انقلاب نگاشته شده و حاوی فتاوی ایشان به زبان عربی است. امام خمینی (ره) این کتاب را در دوران تبعید در ترکیه (۱۳۴۴-۱۳۴۳ ش) نوشته‌اند. ایشان در این کتاب در مسئله ۱۳، مبحث مکاسب و متاجر، در زمینه موسیقی و غنا چنین می‌نگارند: «الغنا حرام فعله و سماعه و التکسب به... و لا فرق بین استعماله فی کلام حق من قراءه القرآن و الدعاء و المرثیه و غیره من شعر أو نثر، بل یتضاعف عقابه لو استعماله فیما یطاع به الله تعالی؛ نعم قد یستثنی غنا المغنیات فی الأعراس، و هو غیر بعید، و لا یتبرک الاحتیاط بالاعتصار علی زفّ العرائس و المجلس المعدّ له مقدما و مؤخرًا لا مطلق المجالس، بل الأحوط الاجتناب مطلقاً» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱: ۴۹۷)؛ انجام دادن و شنیدن غنا و کسب کردن با آن حرام است و غناء، تنها زیبا کردن صدا نیست، بلکه عبارت از کشیدن و برگرداندن صدا با کیفیت خاصی است که طرب‌آور و مناسب مجالس لهو و محافل طرب و آلات لهو و ادوات موسیقی باشد و بین استعمال آن در کلام حق، مانند قرائت قرآن و دعا و مرثیه و بین غیر آن از شعر یا نثر، فرقی نیست؛ بلکه اگر آن را در چیزی که خداوند متعال به آن اطاعت می‌شود استعمال کند، عقابش مضاعف می‌شود. البته گاهی غنای زنان آوازه‌خوان در عروسی‌ها استثنا می‌شود و آن بعید نیست. احتیاط در این است که به زفاف عروس و مجلسی که جلوتر یا بعد از آن برای عروسی گرفته می‌شود، اکتفا شود، نه هر مجلسی؛ بلکه اگر به‌طور مطلق اجتناب شود، به احتیاط نزدیک‌تر است.

همچنین نظریات ایشان در باب غنا و موسیقی، در سال‌های اولیه انقلاب و قبل از ورود عمیق در حوزه اجرایی و مسائل حکومتی، همان نگاه نظری‌وار به مسئله است. ایشان سال ۱۳۵۸، در جمع کارکنان سازمان صدا و سیما درباره موسیقی می‌فرمایند: «موسیقی روح انسان را تضعیف می‌کند. موسیقی اسباب این می‌شود که انسان از استقلال فکری می‌افتد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۹: ۱۵۶). همچنین در همان سال، در جمع کارکنان رادیو دریا، موسیقی را منشأ تخدیر افکار دانسته و چنین بیان می‌دارند: «و از جمله چیزهایی که باز مغزهای جوان‌ها را مخدر است و تخدیر می‌کند، موسیقی است.



موسیقی اسباب این می‌شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد، تبدیل می‌شود به یک مغزی غیر آن [مغز] کسی که جدی باشد. از جدیت، انسان را بیرون می‌کند و متوجه می‌کند به جهاتی دیگر» (همان: ۲۰۰). همچنین می‌فرماید: «موسیقی از اموری است که البته هر کسی از موسیقی به حسب طبع خوشش می‌آید؛ لکن از اموری است که انسان را از جد بیرون می‌برد به یک مطلب هزل. دیگر این جوانی که عادت کرد که روزی چند ساعتش را با موسیقی سر و کار داشته باشد، یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف بکند در اینکه پای موسیقی بنشیند و اینها، این از مسائل زندگی و از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود، عادت می‌کند، مثل همان که به مواد مخدره عادت می‌کند. کسانی که به مواد مخدره عادت می‌کنند، دیگر نمی‌توانند یک انسان جدی باشند که بتوانند در مسائل سیاسی فکر بکنند. فکر انسان را موسیقی جوری می‌کند که دیگر نتواند در غیر همان محیط موسیقی و مربوط به شهوات و مربوط به موسیقی نتواند اصلاً فکر بکند» (همان: ۲۰۲).

### ب) بررسی نظریات امام خمینی<sup>(ه)</sup> بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران

پس از انقلاب و با حاکم شدن نظام جمهوری اسلامی و پس از ورود عمیق امام در مسائل حکومتی، موسیقی به عنوان یک موضوع فقهی، در جامعه اسلامی تحول کارکردی پیدا کرد. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که در مورد غنا و موسیقی در گذشته؛ یعنی در زمان نزول آیات و صدور روایات، اساساً تصویری از این نوع مفاهیم وجود نداشت؛ مگر از آن غنا که صرفاً کاربرد لهوی داشت و خواننده و شنونده را از مبدء و معاد و به طور کلی از یاد خداوند بی‌خبر می‌ساخت. این مفهوم کلی تنها به این نوع از صدا انصراف داشت و نوع دیگر از آن را شامل نمی‌شد. فقها نیز با توجه به همین مسئله، به بحث‌های نظری پرداخته و فتوا صادر می‌کردند. اما امروزه و در سایه حکومت اسلامی، موسیقی، مجسمه‌سازی، نقاشی و غیره، هر کدام به نوعی نیاز به تبیین دارند و می‌توان گفت: این نحو از تبیین معانی، قطعاً یا حداقل احتمالاً، مصداق عناوین محرّمه نیستند و قاعده کلی اقتضا دارد حلال باشند. (گرچی، ۱۴۲۱: ۳۰۲)

با توجه به همین مطالب است که می‌بینیم امام خمینی (ره) با فراست فقیهانه خویش، پس از ورود در حوزه اجرایی و تفکر و اندیشه در روش عملی کردن و پیاده کردن احکام اسلام در جامعه، لزوم تغییر در برخی از آرای فقهی، از جمله غنا و موسیقی را احساس کردند.

باید توجه داشت که مقام اجرا با مقام بحث نظری صرف تفاوت می‌کند؛ چرا که در اجرا، احکام نظام‌وار دیده می‌شوند و مرتبط با هم؛ که از خود این ارتباط احکام، دیدگاه‌ها و مقتضیات جدیدی رخ می‌نماید. ولی در مباحث نظری که بررسی‌های فقهی از منظر فقه حکومت و اقتضات کشورداری صورت نگیرد، موضوعات و احکام، جدای از هم و مجرد از ارتباطها بررسی می‌شود. در اجرای احکام، تراحم‌هایی پیدا می‌شوند، ضرورت‌ها پیدا می‌شوند، ملاکات و مصالحی ظهور می‌کنند که در مباحث نظری صرف، ممکن است فقیه به آن توجه نداشته باشد. در اجرا، مسئله قدرت و امکان پیاده کردن و عملی کردن حکم مطرح است. وقتی فقیه به میدان اجرای احکام می‌آید، با ده‌ها مشکل روبه‌رو می‌شود، خیلی از چیزها، گذشت زمان، مقدمات و شرایط خاصی را می‌طلبد که حاکم اسلامی باید برای اجرای آن آمادگی داشته باشد.

نکته دیگر این است که برپایی حکومت اسلامی اثرهای گوناگونی دارد. وقتی قبول داشتیم که حکومت اسلامی از اهمّ فرایض است، در رابطه با حکومت اسلامی، تراحم‌ها وضع مخصوصی پیدا می‌کند و ضرورت‌های جدیدی در رابطه با حفظ حکومت اسلامی رخ می‌نماید. چه بسا اگر بنا باشد حکم ازلی مراعات شود، مستلزم تضعیف حکومت می‌شود. از این رو، حکم جایزی، ممنوع یا بر عکس می‌شود. بنابر این، وقتی اولویت حکومت اسلامی و اهمیت و تقدّم آن بر فرایض دیگر مشخص شد، جابه‌جایی‌های زیادی در احکام پیش می‌آید و اولویت‌ها تغییر می‌کند. (ن.ک: هاشمی شاهرودی، بی‌تا، ج ۴: ۱۷۳)

بنابر این، اگر فقیه‌ی با در نظر گرفتن مجموع شرایط مذکور، موسیقی را به حلال و حرام تقسیم کند و به این نتیجه برسد که در شرایط امروز، موسیقی می‌تواند فایده حلالی هم داشته باشد، در واقع؛ نظری به قاعده داده است و نمی‌توان ازین لحاظ بر وی خرده گرفت. از این رو، برای بررسی و داوری عادلانه درباره نظریات امام خمینی (ره) در باب موسیقی، لازم است که مجموع شرایط مذکور لحاظ شود.

نظریاتی که امام خمینی (ره)، پس از انقلاب و پس از ورود عمیق در مسائل حکومتی، در مورد موسیقی بیان داشته‌اند، بیشتر در رساله استفتائات و توضیح المسائل، همچنین در صحیفه امام و احیاناً در گزارش‌هایی است که برخی از نزدیکان و خویشاوندان ایشان در این مورد بیان داشته‌اند. در ادامه به بیان برخی از آرای ایشان در این زمینه می‌پردازیم.



۱. فتاوی حضرت امام خمینی (ره) در باب موسیقی، در فضای بعد از انقلاب، از جمله فتاوی راهگشای ایشان بود که راه ادامه فعالیت بسیاری از هنرمندان کشور را گشود. امام خمینی (ره) درباره سرودهایی که پس از انقلاب از صدا و سیمای جمهوری اسلامی پخش می‌شد، فرموده‌اند: «این جور سرودهایی که مهیج است و سرودهایی که مفید است، اشکالی ندارد؛ سرود آقای مطهری (موسیقی که به مناسبت شهادت شهید مطهری ساخته شد) اشکالی ندارد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۴۴۰). اجرای موسیقی به مناسبت شهادت شهید مطهری و دیدار سازندگان این اثر با حضرت امام خمینی (ره)، از جمله خاطرات شیرین برای هنرمندان بوده که استاد احمدعلی راغب، آهنگساز این اثر، خاطرات این دیدار را این‌گونه بازگو کرده است: «این موسیقی در جامعه جا باز کرد؛ تا آنجا که حضرت امام خمینی خواستند ما که سازندگان آن اثر هستیم خدمت ایشان برویم و فرمودند: من این موسیقی را شنیدم. واقعاً خیلی زیبا ساختید. من با شنیدن این سرود نتوانستم جلوی اشکم را بگیرم. من کم گریه می‌کنم؛ ولی گریه کردم، وقتی این موسیقی شما را شنیدم. این زیباترین و بهترین موسیقی است که من تا الآن شنیدم و به همین صورت هم ادامه دهید شما را حمایت می‌کنیم». (نقل از: سایت جماران، آرشیو خاطرات گروه تاریخ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)

۲. در سال ۱۳۶۷، امام خمینی (ره) در پاسخ استفتایی که درباره خرید و فروش آلات موسیقی (به قصد استفاده مشروع، از قبیل نواختن سرود) و بازی شطرنج (اگر آلات قمار بودنش را از دست داده باشد) از ایشان به عمل آمده بود، چنین فتوا دادند: «(در مورد آلات موسیقی)، خرید و فروش آلات مشترک اشکال ندارد... (و در بازی شطرنج)، بر فرض مذکور، اگر برد و باختی در بین نباشد، اشکال ندارد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۲۱: ۱۲۹). پس از صدور این فتوا، برخی از خواص، بر ایشان خرده گرفته و با برداشت‌های ناروا از روایات، زبان به انتقاد گشوده و بیان داشتند که «نی زدن (موسیقی) حرام است؛ چه نی آلت مختصه باشد یا مشترک؛ و بازی شطرنج حرام است، چه آلت قمار را از دست بدهد یا نه...» و در مقام نصیحت چنین بیان داشتند که: «در هر صورت، اگر ساحت قدس حضرت عالی از این‌گونه مسائل به دور باشد، بهتر است و ضرورتی در نشر آنها دیده نمی‌شود». امام خمینی (ره) در جواب ایشان پاسخ بسیار روشنگری دادند. در این پاسخ، ایشان از برداشت ناروا از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کرده، چنین نگاشته‌اند: «اینجانب لازم است از برداشت



جناب‌عالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنابر نوشته جناب عالی (و آنچه از عبارات شما مستفاد می‌شود این است که: زکات تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری است که ذکرش (در شریعت) رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده است، راهی نیست و رهان در سَبَق و رمایه، مختص است به تیر و کمان و اسب‌دوانی و امثال آن، که در جنگ‌های سابق به کار گرفته می‌شده است و امروز هم تنها در همان موارد است. و انفال که بر شیعیان تحلیل شده است، امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذایی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد. منازل و مساجدی که در خیابان‌کشی‌ها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب شود و امثال آن. بالجملة؛ آن‌گونه که جناب‌عالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید باید به کلی از بین برود و مردم کوخ‌نشین بوده یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند» (همان، ج ۲۱: ۱۵۱). همان‌گونه که از عبارت امام خمینی (ره) مستفاد می‌شود، ممکن است در حکومت اسلامی مقتضیات جدیدی رخ بنماید، ضرورت‌ها، ملاکات و مصالحی ظهور کند که حاکم جامعه اسلامی باید بر اساس تحولاتی که ایجاد شده، فتوا صادر کرده، برای اجرای آنها آمادگی داشته باشد. فتوای ایشان در زمینه موسیقی و شطرنج نیز بر همین اساس و بر پایه همین طرز تفکر مترقیانه شکل گرفته است.

۳. یکی از نزدیکان امام (ره) در مورد نظر ایشان درباره موسیقی، چنین می‌نگارد: «در سال‌های پس از انقلاب که مسئله موسیقی و اختلاف نظر بعضی از فقها و علما در این مورد مطرح بود، فتوای امام خمینی (ره)، معیارهایی را معین کرد که مسئولان صدا و سیما آویزه گوش خود کردند و آن، تعیین معیار و تفکیک موسیقی مبتذل از موسیقی اصیل و روح‌نواز بود. در همان دوران، من در همین زمینه، چند سؤال تکمیلی از امام خمینی پرسیدم که در روزنامه‌های همان زمان به چاپ رسید. سؤالات قریب به این مضامین بود: اگر در یک قطعه سرود یا موسیقی، نیازی به کلام و صدای انسان باشد، چه حکمی دارد؟ امام خمینی (ره) فرمودند: اگر مفسده‌ای در کار نباشد، از این لحاظ حکم کلی تغییری نمی‌کند. از ایشان پرسیدم: در صورت استفاده از صدای مرد، حتماً باید به صورت گروهی یا به اصطلاح کر باشد، یا می‌توان از تک‌خوانی مرد نیز استفاده





نمود؟ امام(ره) نوشتند: در این مورد فرقی میان تک‌خوانی و آواز گروهی وجود ندارد. سؤال نمودم: استفاده از صدای زن چه حکمی دارد؟ امام جواب دادند: همان حکم صدای مرد را دارد؛ پرسیدم: آیا صدای زن باید به صورت گروهی باشد؛ یا تک‌خوانی زنان نیز بدون اشکال است؟ امام پاسخ دادند: حکم همان حکم کلی است و با صدای مرد فرقی ندارد. این سؤالات در فضایی که تنی چند از علما، حتی شعاع دادن خانم‌ها در خیابان، دوشادوش مردان را بدون اشکال نمی‌دانستند، راهگشای مسائل بسیاری شد (طباطبایی، ۱۳۸۹: ۱۰۱). بعدها، همین نظرات شجاعانه و راهگشای امام خمینی بود که باعث شد برخی از فقهای معاصر، حتی خوانندگی زنان را با شرایطی جایز دانسته و چنین فتوا دهند: «صدای زن و گوش دادن به آن، اگر مهیج شهوانی یا موجب فساد باشد، جایز نیست؛ وگرنه مانعی ندارد. در مورد تک‌خوانی زن نیز اگر به حدّ غنا نرسد و فسادآور نباشد، اشکال ندارد» (منتظری، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۱). یکی دیگر از فقهای معاصر در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه گوش دادن به صدای زن هنگامی که شعر و غیر آن را با آهنگ و ترجیع می‌خواند؛ اعم از این که شنونده، جوان باشد یا خیر، مذکر باشد یا مؤنث، چه حکمی دارد؟ و اگر آن زن از محارم باشد، حکم آن چیست؟ چنین فتوا داده است: «اگر صدای زن به صورت غنا نباشد و گوش دادن به صدای او هم به قصد لذت و ریبه نباشد و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نشود، اشکال ندارد و فرقی بین موارد فوق نیست» (خامنه‌ای، ۱۴۲۴: ۲۵۲).

۴. بعضی از فرمایش‌های امام خمینی(ره) به طور صریح دلالت بر این دارد که در حکومت اسلامی، ضرورت‌ها و مصلحت‌های جدیدی رخ می‌دهد که باید بر اساس آن مقتضیات فتوا داد و تصمیم‌گیری کرد. ایشان در نامه‌ای به یکی از اعضای دفتر خویش، در باب مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی، چنین می‌نگارند: «امروز... نیاز عملی به این بحثها و مسائل است؛ مثلاً در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون: عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما و غیره؛ لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد... ولی مهم، شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن، نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند، که همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد؛ بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد، این فرد در مسائل



اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد». (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۱۷۸-۱۷۷)

۵. از مطالعه رساله استفتائات امام خمینی (ره)، که مجموعه‌ای از فتاوی‌ای ایشان در پاسخ به سؤالات شرعی مردم در ابواب مختلف فقه و به خصوص در مسائل مستحدثه می‌باشد و در سال‌های پس از انقلاب به چاپ رسیده، آشکار می‌شود که ایشان در پاسخ به سؤال‌های مختلفی که در مورد موسیقی و غناء از ایشان به عمل آمده، یک قاعده کلی را بیان فرموده‌اند که: «شنیدن و نواختن موسیقی مطرب حرام است و صداهای مشکوک مانع ندارد و خرید و فروش آلات مختص به لہو، جایز نیست و در آلات مشترکه اشکال ندارد و مرجع تشخیص عرف می‌باشد» (امام خمینی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۸-۱۱). این در حالی است که نظرات ایشان در زمینه موسیقی، در فضای قبل از انقلاب، همان‌گونه که در بخش اول برخی از آنها بیان شد، به طور کلی متفاوت از این آراست.

## نتیجه‌گیری

مسئله غناء و موسیقی از مهم‌ترین مقولات عرصه فرهنگ به شمار می‌رود. در گذشته اغلب موسیقی کارکرد منفی داشته و در مجالس لہو و لعب مورد استفاده قرار می‌گرفت. در چنین حالتی، به اقتضای کارکرد منفی غالبی که برای موسیقی متصور بود، فقهای امامیه رویکردی امتناعی به آن داشتند. اما در دنیای امروز، موسیقی در کنار کارکرد منفی و مفسده‌آمیزش، کارکردهای مفیدی نیز به دست آورده است؛ به طوری که نقش عمده‌ای در فضای فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های آن ایفا می‌کند. لذا نمی‌توان به دیدگاه فقهی مرسوم گذشتگان درباره آن ملتزم شد.

امام خمینی (ره) نیز در فضای قبل از انقلاب که فارغ از جنبه‌های فقه حکومتی به مسئله می‌نگریستند، به مانند گذشتگان، مبحث مذکور را مورد مطالعه قرار می‌دادند. اما پس از انقلاب اسلامی و مواجه شدن با چالش‌های فضای جدید، با فراست فقیهانه خویش، لزوم تغییر در برخی از آرای خود از جمله مسئله موسیقی و غناء را احساس کردند. لذا دیدگاه ایشان به موسیقی پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی و لزوم نگرش به فقه با جنبه حکومتی، با عنایت به این امر که از موسیقی می‌توان در راستای اشاعه ارزش‌های دینی نیز مدد گرفت، دستخوش تحول اساسی شد.



تحول دیدگاه امام(ره)، فرد متأمل را به خوبی به این امر رهنمون می‌کند که بسیاری از احکام، متّصف به عناوین ذاتی نبوده، دائر مدار مصالح و مفساد موجود در متعلق آنهاست. بنابر این، اگر فقهی حاذق با تفتن به شرایط جدید، هوشمندانه پا به عرصهٔ اجتهاد بگذارد و حکومت اسلامی را از اهمّ فرایض دانسته و به ضرورت‌های آن التفات یابد، باید در صدور حکم، مصلحت جامعهٔ اسلامی را لحاظ کرده، با نگرشی همه‌جانبه به افتا مبادرت ورزد.

## منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد(بی‌تا). **النهایه فی غریب الحدیث و الأثر**. قم: اسماعیلیان.
- ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور بن احمد(۱۴۱۰ ق). **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، چ دوم.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم(۱۴۱۴ ق). **لسان العرب**. بیروت: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر، چ سوم.
- امام خمینی، سید روح‌الله(۱۴۲۲ ق). **استفتائات**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- امام خمینی، سید روح‌الله(۱۴۱۵ ق). **المکاسب المحرمه**. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، سید روح‌الله(بی‌تا). **تحریر الوسیله**. قم: دارالعلم.
- امام خمینی، سید روح‌الله(۱۳۸۶). **صحیفه امام**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ چهارم.
- انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین(۱۴۱۵ ق). **کتاب المکاسب**. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- ایرانی، اکبر(۱۳۷۴). «موسیقی در اسلام». **مجله هنر**، ش ۲۸: ۴۲۰-۳۸۵.
- بهبهانی، محمود بن محمد علی(۱۴۱۸ ق). **رساله فی الغنا**. قم: مرصاد.
- تهرانی، محمد هادی(۱۴۱۸ ق). **رساله فی الغنا**. قم: مرصاد.
- حائری طباطبایی، سید علی بن محمد(۱۴۱۸ ق). **ریاض المسائل**. قم: آل‌البیته.
- حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن(۱۴۰۹ ق). **وسائل الشیعه**. قم: آل‌البیته.
- حسینی عاملی، سید جواد(بی‌تا). **مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حلّی(علامه)، حسن بن یوسف(۱۴۱۰ ق). **إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان**. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- حلّی(علامه)، حسن بن یوسف(بی‌تا). **تذکره الفقها (ط - الحدیثه)**، ۱۴ جلد، قم: آل‌البیته(ع).
- حلّی(محقق)، نجم‌الدین جعفر بن حسن(۱۴۰۸ ق). **شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام**. قم: اسماعیلیان، چ دوم.
- خامنه‌ای، سید علی(۱۴۲۴ ق). **أجوبه الاستفتاءات (فارسی)**. قم: دفتر انتشارات مقام معظم رهبری.
- دهخدا، علی‌اکبر(۱۳۷۷). **لغتنامه**. تهران: دانشگاه تهران، چ دوم.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی(۱۴۱۲ ق). **الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه**. با محسّی

- سلطان العلماء. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ ق.). **مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- صدیقین اصفهانی، محمدتقی (بی تا). «غنا، موضوعاً و حکماً». قم: [بی نا].
- طباطبایی، صادق (۱۳۸۹). «پرونده‌ای مفصل در باب فقه و موسیقی». مجله موسیقی ایرانیان، سال اول، ش ۹.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ ق.). **مجمع البحرين**. تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ سوم.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰ ق.). **النهايه في مجرد الفقه و الفتاوى**. بیروت: دار الکتب العربی، چ دوم.
- فارابی، ابونصر (۱۹۶۷ م.). **الموسیقی الكبير**. قاهره: دارالکتب العربی، چ دوم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ ق.). **کتاب العین**. قم: هجرت، چ دوم.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶ ق.). **الوافی**. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
- فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا). **مفاتیح الشرائع**. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۴۲۱ ق.). **تاریخ فقه و فقها**. تهران: سمت، چ سوم.
- محقق اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ ق.). **مجمع الفائده و البرهان**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- محقق سبزواری، محمد باقر (بی تا). **کفایه الأحکام**. اصفهان: مهدوی.
- محمودی، محسن (۱۳۸۶). **مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید**. ورامین، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج).
- مختاری، رضا و محسن صادقی (۱۴۱۹ ق.). **غنا، موسیقی**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۳). «غنا از نظر فقیه و محقق بزرگوار شیخ انصاری». ترجمه دلاور برادران. میراث جاویدان، سال دوم، ش ۸.
- معلوف، لویس (۱۹۸۶ م.). **المنجد فی اللغة**. بیروت: دار المشرق.
- منتظری، حسینعلی (بی تا). **رساله استفتائات**. قم: [بی نا].
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی تا). **مصباح الفقاهه**. قم: داوری.
- نجفی، محمدحسن (بی تا). **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**. بیروت: دار احیا التراث العربی، چ هفتم.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۷۴). «**فقه و هنر**». مجله فقه (کاوشی نو در فقه اسلامی)، ش ۵-۴ (تابستان و پاییز).
- واسطی، زبیدی، حنفی، محب‌الدین، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ ق.). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دارالفکر.
- هاشمی شاهرودی (۱۴۲۶). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت**. با همکاری جمعی از پژوهشگران. قم: دائره المعارف فقه اسلامی.